

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته از : نعیم سلیمی- کابل / افغانستان
۲۱ اکتوبر ۲۰۲۰

در کشمیر چه می گذرد؟

این جستار کوتاه را به سرزمین کشمیر و درد و اندوه جانکاه مردم آن اختصاص داده ام که در عین زمان با گروگان گیری سرنوشت کشور ما در طراحی نقشه های شیطانی تازه امپریالیزم امریکا و اعمار نیابتی آن هند و پاکستان زیر نام مذاکره های صلح افغانستان و مذاکرات امریکا با طالبان گره خورده است و ما نیز آن را در تار و پود زندگی اجتماعی خویش احساس می نمائیم .

آدم پال یکی از نویسندگان چیره دست نشریه در دفاع از مارکسیسم در یکی از تازه ترین سر مقاله های نشریه مذکور در رابطه با سرنوشت مردمان مظلوم و تحت ستم می نویسد « در جهانی که تحت سلطه سرمایه قرار دارد ، منافع تمام مؤسساتی چون ملل متحد و اتحادیه اروپا، همچنان منافع طبقات حاکم کشور ها به واسطه توازن نیرو ها و منفعت های مادی آنها، دیکته می شوند . آه و ناله مظلومان برای آنها از کدام ارزشی برخوردار نیست. »

بلی خواننده گرامی ؛ واقعاً هم چنین است که در ماتمکده جهان سرمایه داری ناله فلسطینیان ، کشمیری ها ، افغان ها و ، یمنی ها و دیگران شنیده نمی شود .

کارل مارکس پیدایش مار کیت سرمایه داری را در وجود کمپانی هند شرقی انگلستان در یکی از مقاله هایش زیر عنوان " حاکمیت بریتانیا در هند " در ماه جون ۱۸۵۳ ، چنین ارزیابی می نماید : « بدبختی های تحمیل شده توسط بریتانیا بالای هندوستان ، اساساً و بطور بی انتها ، متفاوت از تمام رنج هائی می باشد که این کشور قبلاً متحمل گردیده بود . حاکمیتی را که در قیافه کمپانی هند شرقی بریتانیا میان سال های ۱۷۰۰ - ۱۸۵۰ به منصفه اجراء درآورد ، اعجاز " تخریب خلاقانه " بود که جنبه نابود سازی آن نسبت به خلاقیت آن سنگینی می نمود..... » ؛ در این مضمون مارکس برای ما نشان می دهد که استعمار انگلیس و گسترش نظام سرمایه داری در نیم قاره هند ، تمامی ساختار های عنعنه ئی گذشته را تخریب نمود و آن را با یک ساختار معجون مرکب و دو رگه اقتصادی سیاسی بورژوازی /ارستوکراتیک ساخته دست خودش ، تعویض نمود که یکی ازین اعجاز های شیطانی این تخریب که در عین زمان ابداعات خلاقانه را نیز با خود داشت عبارت از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن می باشد که قیمت گراف و تلخ آن را در لحظه کنونی به طور اخص خلق کشمیر و در یک تحلیل کلی تمامی مردمان جغرافیای جنوب شرق آسیا می پردازد .

درین مقال سعی به عمل می آید تا در گام اول به انکشافات تازه در کشمیر روشنائی انداخته شود و بعداً چگونگی وقوع این حوادث در مقیاس آرایش توازن نیرو های جهانی و منطقه ئی علت یابی و مصیبت شناسی شود .

آغاز یک تراژیدی نوین :

خلق کشمیر علی رغم پشت سر گذاشتن هفت دهه از اسارت ، ذلت و فضای خفقان، بتازگی شاهد سر آغاز یک فاجعه تازه دیگری می باشد که حکومت هند با صدور فرمانی از آدرس نریندرا مودی صدر اعظم آن کشور به تاریخ ۵ اگست سال جاری پا به عرصه وجود گذاشت که حسب آن موقف حقوقی خودمختاری دولت تحت مناقشه جمو و کشمیر واقع در قلمرو هندوستان در چارچوب قانون اساسی این کشور ملغی اعلان گردید ؛ منظور ازین چارچوب عبارت است از مفردات مواد ۳۷۰ و همچنان بند الف ماده ۳۵ قانون اساسی جمهوری هند می باشد که بدون هیچ گونه طی مراحل دموکراتیک پیشبینی شده در قانون اساسی و غور و بررسی در باره آن ، به طور ناگهانی از اعتبار ساقط ساخته شد و در عوض آن، لایحه جدیدی در ظرف یک روز برای تقسیم ایالت جمو و کشمیر که از این بعد برای سهولت ریفرنسی به آن (ج / ک) یاد می گردد به پارلمان پیشکش گردید که حسب آن این قلمرو جغرافیائی را به دو حصه جدا می سازد: ج / ک از یکطرف و لداخ Ladakh از جانب دیگر که برای این هردو موقف های جداگانه ای در چو کات ساختار واحد فدالی هند پیشبینی نمی گردد ؛ به عبارت ساده تر و عامیانه بعد ازین این دو منطقه مستقیماً از جانب حکومت مرکزی در دهلی اداره و کنترل گردیده و تحت قیومیت آن قرار داده می شود که در واقعیت امر بیانگر یک نوع اقدامات سلطه جویانه توسعه طلبی امپریالیستی از جانب دهلی نو و اداره نریندرا مودی تلقی می گردد .

یکی از نکات قابل تذکار درین راستا این است که اتخاذ چنین موقفی از جانب اداره دهلی نو و برخورد نا روای آن با ۱۳ میلیون جمعیت این قلمرو (ج / ک) و آنهم در یکی از بزرگترین دموکراسی های جهان که در باره آن توصیف های زیادی به گوش می رسد ، ماهیت طبقاتی ساختار سیاسی موجود در هند را در دوران زعامت مودی آشکار می سازد که موج بزرگی از یک زنگ خطر را به گوش تمامی مردمان دیگر تحت ستم به صدا در می آورد .

مطلب حایز اهمیت دیگر درینمورد را باید در آنجا سراغ نمود که وقوع چنین رویدادی شاید از یکسو زمینه را برای وقوع جنگ تازه امپریالیستی میان هند و پاکستان هموار نماید و امنیت و ثبات را در منطقه جنوب شرق آسیا به مخاطره بیندازد و از جانب دیگر فضای اختناق و خفقان را بالای سایر ملیت های مظلوم این منطقه با جاری نمودن جوی های جدید خونریزی از جانب طبقات و حلقات حاکم قدرت در هند ، پاکستان و سایر کشور های آسیائی ، به بار آورد که به طور یقین زمینه ظهور جنبش های وسیع و گسترده مردمی را هم در میان مردم کشمیر از یکطرف توأم با ازدیاد روحیه همبستگی با آنها در میان طبقه کارگر هندو پاکستان ، فراهم می نماید که در دور نمای ستراتیژیک زمینه را برای سقوط رژیم نریندرا مودی و عمران خان که به سوی گرایش های استبدادی در لغزش اند ، با خود به همراه خواهد داشت .

یکی از جلوه های زشت اقدامات اخیر حکومت هند عبارت است از جابه جا سازی تعداد بزرگی از نیرو های امنیتی جدید در هفته های اخیر در ج / ک می باشد که قبل برین نیز شاهد جابه جا سازی نیم میلیون نیروی نظامی که یکی از بزرگترین نوع پیاده نمودن قوت های نظامی در روی زمین بوده که این منطقه را به یک مرکز خفقان و محاصره مبدل نموده است که در مورد آن وضاحت داده خواهد شد .

دست ما آنجا رسید و این را نوشت که در نتیجه اقدامات اخیر ظالمانه جابه جا سازی نیرو های امنیتی و نظامی هند در کشمیر حالت خفقان و محاصره کامل در کشمیر ، به وجود آمد ؛ حال سعی می گردد تا با اختصار اندکی روی این

موضوع مکث گردد: تمامی توریست ها، زائران و کارگران خارجی با یک آگهی کوتاه به طور فوری مجبور به ترک از منطقه ساخته شدند؛ قیود شب گردی و روز گردی در سرتاسر منطقه اعلان گردید؛ تمامی لاین های تماس تلفونی قطع گردیدند؛ دسترسی به اینترنت بلاک گردید؛ بیشتر از ۳۰۰ تن از رهبران سیاسی دستگیر شدند و عبور و مرور از هر نوعی که باشد ممنوع اعلان شد؛ با ادامه چنین حالتی تمامی ساکنین کشمیر به کمبود مواد اولیه ضروری مواجه می باشند؛ اکثریت بزرگ مردم از پیدا شدن مواد غذایی که به نادرتهای مبدل گردیده است، رنج می برند که چنین حالتی حتی در ایام عید قربان نیز ادامه داشت؛ هزاران تن از کارگران و محصلان کشمیری درین گیر و دار بند مانده و موفق نشدند تا به خانواده های شان تماس بگیرند.

لازم به یاد آوری است که بنابر برخی از راپور های واصل از وادی کشمیر، جنبش گسترده توده ئی میلیونی که سه سال قبل آغاز گردیده بود و تا هنوز ادامه داشت، با آرایش مجدد دوباره عرض اندام نمود و مردم علی رغم خفقان جاری توأم با حملات گاز های اشک آور و شلیک نیرو های امنیتی به سرک ها و جاده ها ریختند؛ آنچه که اینبار درین جنبش متفاوت به نظر می رسد این است که این حرکت اکنون گسترده تر می گردد و لایه های بیشتر اجتماعی را به سوی خود می کشاند و آن را ریشه دار و نهادینه می سازد؛ جنبش قبلی به صورت کل به وادی کشمیر محدود می گردید و در میان مناطقی که اکثریت آن را هندو ها تشکیل می دادند، سرایت نکرده بود (این مطلب شامل حال پیروان اقلیت آئین بودا در منطقه لداخ نیز می گردد)، اما جالب است که اینبار آتش اعتراضات گسترده از میان مردم لداخ شعله ور گردیده است، زیرا که تدابیر برقرار شده ظالمانه حقوق اساسی همه مردم را اعم از مسلمان، هندو و بودیست، همه را زیر زیر پای نموده است.

یکی از شگفتی های ادامه و انکشاف حالات موجود در کشمیر در آن نهفته است که حتی طرفداران حزب دست راستی بی جی پی نیریندرا مودی در داخل دولت هند را به شوک روانی و سراسیمگی مواجه نموده است؛ حمایت گسترده از خلق کشمیر در میان احزاب جناح چپ و محصلان در سراسر هند شکل می گیرد؛ تظاهرات متعددی در هند علیه مودی راه اندازی گردیده است؛ احزاب کمونیستی تدابیر اختناقی وضع شده را با برگزاری اعتراضات گسترده ای در بسیاری از شهر ها، تقبیح نموده اند؛ تظاهرات بزرگ و باشکوه از جانب محصلان یونیورسیتی ها در سرتاسر هند و به طور اخص در پنجاب هند در حمایت از خلق کشمیر تشکیل گردیده که انزجار شان را با حالت موجود در کشمیر اظهار می دارند.

کانگرس هند نیز در واقعیت حالت مختنق موجود را در کشمیر به طور کمرنگ و محجوبانه ای، تقبیح نموده است؛ تمامی لیبرال ها و سکیولار ها که با مودی مخالفت دارند، شدیداً تدابیر مذکور را تقبیح نمودند، این دسته استدلال می نمایند که قانون اساسی هند مورد حقارت و توهین قرار گرفته است و بدین گونه این گروه تشویش و نگرانی خود را در مورد آینده دولت هند ابراز می دارند که بنیاد آن با اتخاذ چنین تدابیری لرزان شده است.

بیشترین تشویش دسته اخیر الذکر را گسترش چنین وضعیتی به سایر ملیت های تحت ستم و ایالات هند و به خصوص در قسمت شرقی این سرزمین که در آنها جنبش های جدائی طلبان موجود اند، تشکیل می دهد؛ از نظر آنها نیریندرا مودی چنین جنبش ها را در یک مرحله بعدی با برقراری یک اجندای ارتجاعی هندوئیستی (هندو گرایی) که در عقبه حزب بی جی پی از جانب شبکه کادر های سازمان های فاشیستی آر اس اس ترغیب و تشویق می گردد، سرکوب می نماید. همچنان لیبرال ها خواستار آن اند تا مودی روحیه سکولاریزم برخاسته از قانون اساسی هند را رعایت و حمایت نموده و قوانین و مقررات تسجیل یافته در آن را که از جانب نظام قضائی هند حمایت می گردد، احترام نماید.

برخورد و عکس العمل احزاب کمونیستی نیز در مورد تقریباً همان موقف گیری محافظه کارانه و ملاحظه کارانه محتاط شبیه آنچه را که کانگرس در قبال مسأله کشمیر پیشکش نموده است و در بالا از آن تذکار یافت ، می باشد .

موضعگیری شیطنانی حکومت پاکستان در قبال مسأله کشمیر :

در حاشیه این عنوان ، سعی می گردد تا مختصراً به موضعگیری محیلانه حلقهات حاکم قدرت در پاکستان در گذشته و همچنین در لحظه کنونی که با رذالت و وقاحت کامل توأم با استفاده از تعصبات دینی و مذهبی آمیخته با تروریسم سعی نموده است تا جنبش آزادیبخش این سرزمین را از مسیر اصلی آن منحرف نموده و به کجراه بکشاند و در عین حال زمینه ها را برای هند جهت وضع حالت رقت بار در کشمیر با عنوان نمودن این که تماماً کشمیری ها تروریست اند فراهم سازد ، اشاره شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد :

در دهه نود موضعگیری و سیاست ستراتیژیک نادرست که در بالا از آن گفته شد از جانب هند و پاکستان موفق به نظر می رسد ، ولی در لحظه حاضر حالت متمایزی در جنبش کنونی خلق کشمیر عرض اندام نموده که قسماً در بالا به آن اشاره گردید که حسب آن خلق کشمیر مداخلات را از هر جانی که باشد ، علی رغم موجودیت یک تعداد محدود افراد تروریست در میان جوانانی که در حمام شست و شوی مغزی تعصبات به ظاهر دینی غسل تعمید دیده اند ، مردود می دانند .

« وضعیت در پاکستان بیشتر از هندوستان شکننده است . پاکستان کشمیر را شاه رگ گردن خویش می خواند و دایماً چنین وانمود می سازد که گویا از جنبش توده های مردم در مناطق تحت اشغال هند حمایت می نماید ، گرچه که قسمت هایی از کشمیر تحت کنترل پاکستان مشمول گلگت - بلتستان ، همچنان تحت ستم و بیداد به سر می برند و از حقوق محدود برخوردار اند . طبقه حاکم پاکستان همیشه این موضوع را جهت توجیه استثمار و به اسارت کشیدن تمامی مردم این سرزمین ، مورد بهره برداری قرار داده است ... » (1)

نکته مهم و قابل دقت دیگر این است که باید راز و رمز فلسفه وجودی دستگاه ماشین نظامی عظیم پاکستان و سرمایه گذاری مبالغه هنگفت آن در تسلیحات اتمی در یک کشور فقیر و عقب مانده ای چون پاکستان نیز باید در محور مسأله کشمیر ، ریشه شناسی و علت یابی گردد .

گفته آمد که وضع پاکستان شکننده تر از هند می باشد :

اعلان تصمیم مودی صدر اعظم هند که در قسمت اول این نوشته به آن اشاره گردید ، پاکستان را در موقعیت دشواری ، قرار داده است .

جناح دست راستی شریک قدرت درین کشور تقاضا می نماید تا حکومت پاکستان در برابر هند اعلان جنگ نماید و گویا که استقلال کشمیر را در چنین یک لحظه تاریخی تضمین کند ، مگر رهبری و حلقه حاکم قدرت در حکومت به طور نهایی تلاش می نماید تا از وقوع هرگونه تصادم انصراف صورت گیرد که از ضعف آن نمایندگی می کند .

همچنان لازم به یاد آوری است که علاوه بر ریشه شناسی وجودی ماشین غول پیکر نظامی پاکستان و رابطه آن با مسأله کشمیر ، نباید عامل دیگری را که عبارت بنیانگذاری پاکستان از زمان پیدایش آن ۷۳ سال قبل بدین سو می باشد نیز درین زمینه ، فراموش نمود .

پاکستان سه جنگ با هند را پشت سر گذاشته است (۱۹۴۸ ، ۱۹۶۵ و ۱۹۹۹) و برخورد اخیر نیرو های هوایی پاکستان با هند در ماه فیبروری سال جاری نیز روی همین مسأله کشمیر می چرخید که تا هنوز از اذهان مردم فراموش نگردیده است .

عمران خان صدراعظم پاکستان با صراحت کامل خاطر نشان ساخت که " بنابر بحران شدید اقتصادی در کشور ، پاکستان تحمل اعلان جنگ با هند را در لحظه کنونی ندارد " .

ناگفته نباید گذاشت که مساعی حکومت پاکستان جهت کسب همکاری و حمایت از پاکستان در سطح جهانی برای خروج پاکستان از بحران ، بی ثمر بوده است ؛ در حقیقت پاکستان در انزوای کامل درین عرصه به سر می برد و تا حد زیادی این انزوا از فقدان علاقه مندی امپریالیزم امریکا به این کشور در لحظه کنونی سرچشمه می گیرد :

پاکستان همیشه منافع امریکا را در منطقه جنوب شرق آسیا تأمین نموده و یکی از متحدین کلیدی آن از زمان به اصطلاح کسب استقلال این کشور در ۱۹۴۷ بوده است . در جریان جنگ سرد کشور هند در کمپ رقیب امریکا قرار داشت که اتحادی را با اتحاد شوروی وقت برقرار نموده بود ؛ یکی از دلایل دیگر این که پاکستان در خدمت منفعت امپریالیزم امریکا قرار بگیرد عبارت است از جلوگیری از نفوذ جمهوری مردم چین در منطقه می باشد که هنوز هم در دستور روز قرار دارد ؛ همچنان در جریان جنگ تحمیل شده امپریالیستی بر افغانستان از سال ۲۰۰۱ ، پاکستان بار دیگر برای تأمین منفعت امریکا مفید تلقی می گردید ؛ اما نباید فراموش کرد که اکنون امریکا تحت رهبری ریاست جمهوری ترمپ پلان دارد تا افغانستان را در حاشیه قرار داده و سعی می ورزد تا کشور ما را به طور خجالت آوری به طالبان و یک ساختار ارتجاعی قدرت در آینده واگذار نماید و تلاش برای چنین کاری در زمانی صورت می گیرد که هند روابط نزدیکی را با امریکا برقرار نموده است .

یکی از دلایل برجسته را که در جریان همه این تحولات تازه نقش بسزائی را در شکننده بودن موقف کنونی پاکستان بازی می نماید عبارت از انگیزه اقتصادی دخیل در این مورد می باشد :

* - « مارکیت هند ده مرتبه بزرگتر از پاکستان می باشد که اقتصاد آن با یک سرعت زایدالوصفی در کاهش است . نقشی را که در این مورد برای پاکستان در منطقه محول شده فراتر از یک سطح نازل آن نسبت به گذشته قرار دارد . تصمیم مودی در باره کشمیر با مطرح ساختن تکبر و برتری جوئی بورژوازی هندی که بنابر رشد اقتصادی آن در سالیان اخیر در نتیجه سیاست های ضد کارگری وی در هند فراهم گردید ، توازن جدید نیرو ها را در منطقه منعکس می سازد » (2)

در پایان و اختتام این جستار مختصر یاد آور می شوم این که ، رشد اقتصادی هند که مانند حباب روی آب بوده و از یک ریشه عمیق برخوردار نیست ، از همین اکنون به سوی یک بحران در حرکت بوده و با رخداد های خروشان و طوفانی که در خطوط مقدم سیاسی ، اقتصادی و ستراتیژیک بزودی توازن نامبرده را ویران می سازد که منجر به انکشافاتی که تا به حال دیده نشده اند خواهد گردید ؛ پاکستان سعی می نماید تا ضعف اقتصادی اش را با اتکاء به چین ، بپوشاند، مگر چنین تلاش مذبحانه وضع رقت بار این کشور را بیشتر از پیش پیچیده و بغرنج ساخته ، زیرا که نزدیکی پاکستان با امپریالیزم چین ، خشم و غضب امریکا را فزونی می بخشد ؛ پاکستان تلاش اعظمی خود را به خرج می دهد تا در برخورد های عربستان سعودی با ایران جانب هیچ یکی ازین کشور ها را نگیرد ؛ ولی در چنین یک لحظه حساس سعودی ها یکجا با سایر کشور های اسلامی هیچ گونه حمایتی را برای پاکستان پیشکش ننموده اند و به همین لحاظ وزارت خارجه این کشور (پاکستان) خشم خود را در برابر کشور های به اصطلاح برادر اسلامی در رابطه با مسأله کشمیر ، ابراز می دارد .

موقف چین مبنی بر ابراز نگرانی ها از تعهدات تازه پاکستان در صندوق بین المللی پول حالت پیچیده فوق الذکر را به وخامت برده است که حسب آن قرضه های چین با احتمال مشمولیت پاکستان در لیست سیاه مؤسسه اقدام اجرائی مالی Financial Action Task Force، تحت بررسی جدی قرار گرفته و تقاضا به عل می آید تا به آینده موکول گردند ؛

با روی کار آمدن عمران خان به اریکه قدرت سرمایه گذاری چین در پاکستان خشکیده است و می توان گفت که در چنین یک لحظه حساسی ، حمایت چین از پاکستان در برابر هند نیز یک مسیر سردی را دنبال می نماید .
تحلیل گران زیادی پیشبینی می نمایند که یکی از پیامد های بعدی در راستای تهاجم هند بر کشمیر این خواهد بود که نریندرا مودی صدر اعظم هند در رد پل پای اسرائیل قدم گذاشته و نمونه مثال سیاست صهیونیستی اسکان باشندگان اسرائیل در سر زمین فلسطین و جابه جا سازی مردم چینی تبار Han Chinese در منطقه سینکیانگ را دنبال نماید که به نظر این قلم می تواند کاپی و انتشار مجدد از یک سیاست آپارتاید و نسل کشی (جینوساید) در جنوب شرق آسیا تلقی گردد .

سخن آخر در رابطه با پیامد تهاجم فوق الذکر در قبال کشور عزیز ما افغانستان این است امپریالیزم ایالات متحده امریکا و پاکستان به مثابه مشتری ضعیف و از نظر افتاده آن در یک قمار سیاست خارجی با هدیه کشمیر به هند و جور آمد جداگانه ای با پاکستان ، سرنوشت ما را زیر نام مذاکرات صلح با طالبان به مخاطره بیندازد ، چنان که حسب اظهارات اخیر اسد مجید خان سفیر پاکستان در امریکا به نیویورک تایمز، پاکستان در نظر دارد تا سربازان و قوای نظامی خود را از مرز افغانستان به مرز کشمیر انتقال دهد ، اقدامی که می تواند مذاکرات صلح امریکا با طالبان را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری مبهم افغانستان که تا هنوز نتیجه نهائی آن اعلان نگردیده است ، پیچیده سازد .

پایان

شما درینمورد چگونه می اندیشید !

(1) Modi's draconian measures will be fought by the working class of the entire region , In Defense of Marxism , Adam Pal , 13 August 2019

(2)باز هم همانا در همان مضمون